

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین سعیدی
۰۳ جون ۲۰۱۳

داستان عبرت انگیز اصحاب فیل در وادی مُحَسَّر

«محسر» منطقه ایست که در میان «مزدلفه» و «منی» موقعیت دارد و مطابق روایات تاریخی، اصحاب فیل و سپاهیان ابرهه که قصد تخریب بیت الله (کعبه) را داشتند، در همین وادی به هلاکت رسیده اند. بعد از هلاکت، شکست تاریخی و فرار نیروهای ابرهه، این وادی در بین قبایل اعراب به نام وادی «مُحَسَّر» شهرت یافت. این وادی در منطقه ای قرار دارد که نه جزو منطقه «منی» و نه جزو منطقه «مشعر» می باشد. مطابق طول و عرضی که توسط علماء محاسبه صورت گرفته است، طول وادی مُحَسَّر تقریباً به ۳۸۱۲ متر می رسد. نقطه پایان وادی محسر، به نام مَازمین (دو کوهی که در خط السیر حجاج از منطقه مزدلفه به منی قرار دارد) است. بخش وسیع و اکثریت وادی مُحَسَّر، مزدلفه نامیده می شود، و تقریباً ۲۵۴۸ متر طول دارد و از مشعر الحرام یا منطقه قُزَح آغاز می یابد و علامت آن دو دیوار است که یکی آن در راست و دیگری آن در چپ موقعیت دارد. ناگفته نباید گذاشت رودخانه (محسر) در پایان سرزمین مزدلفه، باریک می شود و عرض آن به ۵۰ متر می رسد و تا



مساقتی در حدود ۴۳۷۲ متر یعنی تا «العلمین» که مرز حرم از سمت عرفه است؛ امتداد پیدا می کند. این دو ساختمان، مانند دو ساختمان موجود در مشعر (ستون سنگی) ولی کوچکتر هستند و فاصله میان آن دو، ۱۰۰ متر است. اینجای رودخانه را «مَازمین»،

یا طریق المَازمین یا تنگه میان مزدلفه و عرفه می نامند. زیرا دو کوهی که در دو طرف آن است مَازمین نام دارند، و مَازم به معنای راه باریک میان دو کوه است.

فاصله میان «جمره عقبه» تا وادی محسر (طول منی): ۳۵۲۸ متر می رسد.

همه علماء اسلام در مورد متفق القول اند و این را بر کسانی که توانندی آن را داشته باشند، مستحب می دانند که:

حجاج باید در وقت حج و عمره از این منطقه کمی به سرعت بگذرند.

«امام نووی» رحمه الله میفرماید،؛ به سرعت گذشتن از این منطقه کاری مستحب بوده ، فرق نمی کند اگر حاجی پیاده باشد ، در سرعت خویش بیفزاید و اگر سوار بر شتر و یا سایر وسایل حمل و نقل باشد ، باید از این منطقه به خاطر متابعت از حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم به سرعت بگذرد.

در حدیثی که از جابر (رضی الله عنه) در مورد صفت حج پیامبر صلی الله علیه وسلم در حج الوداع روایت گردیده است آمده است : « حَتَّى أَتَى بَطْنَ مُحَسَّرٍ فَحَرَكَ قَلِيلًا » **راوی حدیث امام مسلم (۲۱۳۷)** .

همچنان در حدیثی که از حضرت علی کرم الله وجهه روایت گردیده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم از وادی محسر به شتاب گذشته و سرعت خویش را در این منطقه کمی سرعت بخشیده است .

حضرت علی کرم الله وجهه می فرماید : « ثم أفاض حتى انتهى إلى وادي محسر فقرع ناقته، فخبث حتى جاوز الوادي » . (راوی حدیث امام الترمذی شماره حدیث (۸۸۵)، و شیخ الألبانی این حدیث را در جمله حسنه به حساب آورده) غرض معلومات بیشتر می توان به احادیث (شماره (۸۸۶) امام ترمیزی ، و حدیث شماره ، النسائي (۳۰۵۳) امام النسائي ، که همه ای این حدیث از جانب شیخ الألبانی البانی صحیح خوانده ، مراجعه فرماید).

معنای لغوی (محسر)

محسر از ریشه حَسَرَ و معنای آن خسته شدن و از پا افتادن آمده است .

خداوند متعال در قرآن عظیم الشأن می فرماید : « ... يَنْقَلِبُ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَ هُوَ حَسِيرٌ (سوره الملک: آیت ۴) چشم، با خستگی به سوي تو باز مي گردد.

طوری که قبلاً متذکر شدیم علت نامگذاری این منطقه به وادی محسر آن است که ابرهه و لشکر آن که با فیل برای نابودی و تخریب کعبه آمدند، زمانی که بدین منطقه رسیدند ، مطابق روایت قرآن عظیم الشأن ، با سنگریزه های سجیل از پای افتادند و نابود گردیدند .

نامهای محسر:

مؤرخین می نویسند که این وادی به نامهای دیگری بین مردم هم شهرت داشت که مشهور ترین آن عبارت است از :

۱- وادی النار:

اکثر مردم مکه این منطقه را به نام وادی نار می شناختند و می گویند در زمانهای قبل یکی از ساکنین منطقه مکه غرض شکار به این منطقه رفته بود ، و آتشی از آسمان آمد و او را سوزانید.

محمد حسین هیکل طبق دیدگاه علمی - تجربی خود، این نامگذاری را چنین توجیه می کند که: آتش بیماری آبله در این منطقه است که بعد ها ، سربازان ابرهه را نیز سوزانید ، قابل تذکر است که :این تحلیل خلاف ظاهر فهم آیات قرآنی میباشد.

۲- مهلل:

نامگذاری وادی محسر به نام مهلل بدان علت است ، زمانیکه حاجاج به این منطقه می رسند مطابق سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم به سرعت از این منطقه تیر می شوند .

۳- مهلهل:

زیرا این محل نزد مردم مشهور است، و یا به دلیل که در فوق ذکر گردید .

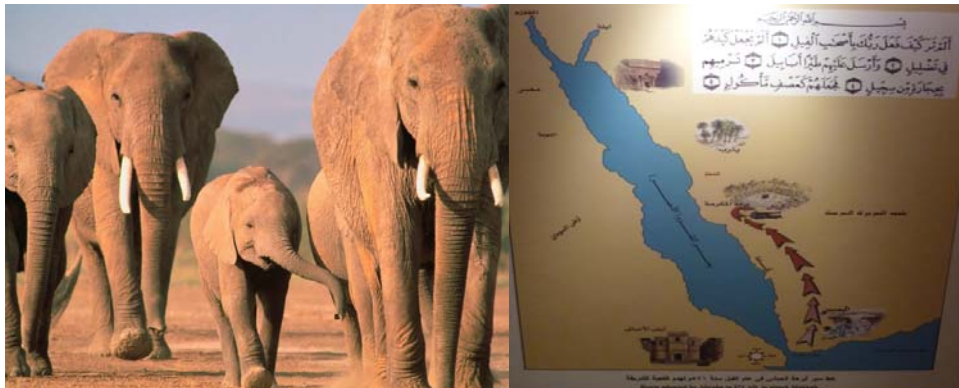
۴- بطن محسر.

در روایت اسلامی آمده است که حضرت عمر (رض) زمانی که به این منطقه می رسید این اشعار را با خود زمزمه می کرد :

اليك تسعي قلقاً وزينها مخالفاً دين النصاري دينها

معترضاً في بطنها جنينها قد ذهب الشحم الذي يزينها

درحالیکه کمر بندش می جنبد به سوي تو می آید و دین او با دین نصاری مخالف است
فرزند خود را در شکم، جای داده است و بیه و چربی که زینت بخش او بود، از دست داده است
همچنان عبدالله بن عمر هم زمانی که به این وادی می رسید نیز همین کار را می کرد، و همین حالا حجاج کرام نیز سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم را مراعت می نمایند .



داستان اصحاب فیل :

بسم الله الرحمن الرحيم

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ (1) أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدُهُمْ فِي تَضْلِيلٍ (2) وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ (3) تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ (4) فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ

داستان اصحاب فیل یکی از با عبرت انگیزترین داستانها در تاریخ بشریت می باشد ، مؤرخین داستان (ابرهه) مسیحی که در سال (۵۷۰ - ۵۷۱) میلادی ، با قوای ۶۰ هزار نفری مجهز با فیل ها وساز و برگ نظامی برای فتح مکه و تخریب کعبه به راه افتاد ، چنین شرح داده اند .

مؤرخین می نویسند زمانی که قوای نظامی وحربی ابرهه از کشور یمن به منطقه (المغص) رسید ، گروه سواره را غرض تسلیمی مردم به مکه فرستادند، و طی نامه ای به اهالی مکه خطاب نموده اعلام داشتند :
(من قصد جنگ با اهالی مکه را ندارم ، آمده ام تا فقط کعبه را ویران کنم ، اگر با این خواهش من موافق هستید ، نماینده خویش را غرض مذاکره و جرگه نزد ارسال نماید .)

در این میان مردم مکه با هم جرگه می نمایند ودر مورد این اقدام تصمیم مشترک را اتخاذ می نمایند. سران مکه بعد از مطالعه نامه تهدید آمیز ابرهه، سردار مکه عبد المطلب را به منظور مذاکره نزد ابرهه می فرستند .
می گویند عبد المطلب مرد قوی هیکل ، دارای ریش مبارک ، مرد چهار شانه ، و سروصورت نورانی و جذابی داشت .
همین که عبد المطلب به نزد ابرهه آمد ، ابرهه از دیدن اوسخت تحت تأثیرش قرار گرفت. می گویند ابرهه به خاطر احترام او از تاخت خود پائین آمد وروی زمین و نزدیک او نشست.

بعد از عرض سلام، ابرهه سر صحبت را با عبد المطلب آغاز کرد و عزم خویش را که ویرانی و تخریب کعبه است با عبد المطلب در میان گذاشت .

عبد المطلب صحبت های ابرهه را با دقت تام گوش می کرد ، و در جریان صحبت هیچ ابراز نظر نمی کرد و چیزی نمی گفت :

در ختم صحبت ابرهه روی به طرف عبد المطلب نموده گفت : اگر شما خواهشی از من داشته باشید می توانید بگوئید: عبد المطلب به ترجمان ابرهه گفت : (سربازان و لشکریان تو دوصد دانه شتر مرا به غارت برده اند ، به ایشان هدایت فرماید تا آن را دوباره به من مسترد نمایند) .

ابرهه از این درخواست عبد المطلب سخت در تعجب افتاد به مترجم گفت : به عبد المطلب بگوید : (هنگامی که شما را دیدم عظمتی از تو در دلم بوجود آمد ، ولی شنیدن صحبت شما در مورد مطالبه اموالت از وقارت نزد کاست ، عجب است که در استرداد شتر هایت اصرار داری، ولی در باره کعبه که محل عبادت شما، محل عبادت ابا و اجداد تان بود ، و من حالا برای تخریب و ویرانی اش کمر بسته ام مطلقاً حرفی به زبان نمی آوری !!) عبد المطلب در جواب ابرهه گفت : (انا رب الابل وان للبيت رباً سيمنه !) (من مالک شتر های خود هستم و مطالبه استرداد دوباره آن را از شما دارم ، این معبد و عبادت گاه و این خانه مالک دیگری دارد که خود از آن حفاظت خواهد کرد.)

واقعاً همانطور هم شد ، زمانی که لشکریان ابرهه به منطقه وادی محسر می رسند، ابابیل ها بر سپاه ابرهه حمله ور شدند . (تر میهم بحجاره من سجیل) به پرتاب سنگ های ، برلشکر متجاوز ابرهه آغاز می نمایند ، و این لشکر ۶۰ هزار نفری ابرهه را به شکست و رسوائی مواجه ساخته، و خانه کعبه را از تخریب و ویرانی نجات می دهند ، اینست معجزه آسمانی که در دفاع از کعبه در وادی محسر به اتفاق افتاده است .

پایان

تتبع و نگارش :

الحاج داکتر امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »

مدیر مطالعات ستراتیژیک افغان و

مسئول مرکز کلتوری دحق لاره- جرمنی